

آخرین نزول؛ مائده یا توبه؟

* رهیافتی جدید به مسأله آخرین سوره نازل شده قرآن کریم

** زهرا کلباسی (نویسنده مسؤول)

*** امیر احمدنژاد

چکیده:

تعیین هر یک از سوره‌های نصر، مائده و توبه به‌عنوان آخرین سوره نازل شده، همواره یکی از مسائل اختلافی میان قرآن‌پژوهان بوده است؛ به‌ویژه آنکه بخش‌های مهمی از آیات این دو سوره که قراین قوی‌تری برای «آخر ما نزل» واقع شدن دارند، در تعارض با یکدیگر قرار گرفته و مفسران را به‌خصوص با عنایت به نقل‌ها و فهرست نزول‌های متفاوت، دچار چالش و سردرگمی کرده است. در این نوشتار با توجه به قراین برون‌متنی همچون روایات ترتیب نزول، روایات خاص «آخر ما نزل»، فهرست‌نگاری‌های مسلمانان و مستشرقان، و قراین درون‌متنی همچون بافت آیات هر سوره و آیات دارای شأن نزول با زمان مشخص، دیدگاه آخرین بودن سوره مائده تقویت گشته و به برخی از نتایج آن از جمله تعامل مسالمت‌آمیز با اهل کتاب و مشرکان غیرحربی اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها:

مائده / توبه / آخرین سوره / اهل کتاب / مشرکان

* تاریخ دریافت: 1394/4/3، تاریخ تأیید: 1394/5/26.

zahrakalbas@gmail.com

** دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان

amirahmadnezhad@hotmail.com

*** استادیار دانشگاه اصفهان

درباره آخرین سوره نازل شده، اختلاف نظرهای جدی میان قرآن‌پژوهان به چشم می‌خورد. به‌طور کلی در میان دیدگاه قرآن‌پژوهان، سه سوره نصر، براءت و مائده به‌عنوان آخرین سوره نازل شده قرآن مطرح شده‌اند. در این میان، سوره نصر به‌خاطر بافت ویژه و کوتاه بودن آن و به‌ویژه عدم تعارض ظاهری آیات آن با دو سوره دیگر، محل بحث این مقاله نیست و تنها به‌طور خلاصه، دیدگاه‌ها پیرامون آن گزارش خواهد شد. اما نزاع اصلی محققان درباره «آخِرُ مَا نُزِّلَ» بودن دو سوره مائده و براءت است. چنان‌که میان منابع مختلف در تعیین آخرین سوره نازل شده میان این دو سوره، تعارض چشمگیری وجود دارد. از یک سو وجود روایات خاص در مورد آخرین سوره نازل شده، فهرست‌های متفاوت منسوب به معصومین^۱، صحابه و تابعین، اجتهادات محققان قدیم و جدید، و از سوی دیگر، حقایق و شأن‌نزول‌هایی که در مورد آیات مشخص هر سوره مطرح شده، سبب تفاوت آرای دانشمندان شده است. در حالی که به نظر می‌رسد حلقه مفقوده در این بحث، تأمل در سیاق داخلی و بافت خود سوره‌هاست که محققان اغلب به‌سادگی از کنار آنها گذشته‌اند. افزون بر آنکه قراین بیرونی نیز مؤیدی بر قراین درونی سوره‌ها قرار گرفته و به‌وضوح، آخرین پاره‌های وحی را تعیین نموده است. از این رو در این مقاله، پس از گزارش و بررسی روایات و دیدگاه‌ها درباره آخرین سوره نازل شده، به‌طور خاص به قراین داخلی و سیاق دو سوره براءت و مائده که بیشتر دیدگاه‌ها پیرامون آخر بودن آنها مطرح است، پرداخته خواهد شد. در انتها نیز به‌طور گذرا به برخی از نتایجی که اعتقاد به «آخِرُ مَا نُزِّلَ» بودن هر سوره رقم می‌زند، اشاره شده و تفصیل آن به پژوهشی دیگر موکول گردیده است.

بررسی گزارش‌ها درباره آخرین سوره نازل شده

در این باره افزون بر روایات، سخنان قرآن‌پژوهان مسلمان و غیرمسلمان که برخی به تبع روایات ترتیب نزول و برخی از روی اجتهاد، به داوری درباره آخرین سوره تعیین شده پرداخته‌اند، مجموعه‌ای از گزارش‌ها را تشکیل می‌دهد که به نوعی می‌توان تمام آنها را قراین برونی هریک از سوره‌ها با محوریت تعیین «آخِرُ مَا نُزِّلَ» تلقی کرد.

الف) روایات

روایات مرتبط با تعیین آخرین سوره نازل شده را می‌توان به دو دسته روایات اختصاصی ذیل هر سوره و روایات ترتیب نزول تقسیم نمود که به ارزیابی هریک پرداخته می‌شود.

1. روایات ترتیب نزول

روایات ترتیب نزول سوره‌های قرآن از جمله روایاتی است که شیعه و سنی آن را نقل و بدان استناد کرده‌اند. این روایات به لحاظ سندی از چهارده تن از صحابه و تابعان نقل شده که عبارتند از: امام علی 7، ابن عباس، امام سجاد 7، جابر بن زید، محمد بن نعمان، مجاهد، ضحاک، عِکْرَمَه، حسن بَصْرِي، زُهْرِي، عطاء خراسانی، امام صادق 7، مقاتل بن سلیمان و حسین بن واقد. اما از میان چهارده روایت مذکور، تنها متن ُه روایت به‌طور کامل به دست ما رسیده است. قراین نیز نشان می‌دهد که ُه راوی از راویان چهارده‌گانه، شاگرد بی‌واسطه یا باواسطه ابن عباس بوده‌اند. شاگردان بی‌واسطه، جابر، مجاهد، ضحاک، عکرمه و حسن بصری، و شاگردان باواسطه، زهری، ابن واقد، عطاء و مقاتل هستند. به علاوه برخی از آنان خود در طرق روایات ترتیب ابن عباس قرار دارند؛ مثل مجاهد، ضحاک، عکرمه و عطاء (نکونام، 128).

در نهایت از مجموع روایت‌های موجود از ترتیب نزول سوره‌ها، با دو سیر ترتیب نزول مستقل مواجه هستیم. نخست روایت منسوب به امام صادق 7 که به ذکر ترتیب همه سوره‌ها پرداخته، و دوم روایت ابن عباس. این دو روایت نیز به‌رغم تشابه فراوانی که در ارائه سیر نزول سوره‌ها دارند، در آخرین سوره نازل شده متفاوت عمل کرده‌اند. روایت منسوب به امام صادق 7، مائده را آخرین سوره نازل شده معرفی نموده (شهرستانی، 9/1)، و روایت منسوب به ابن عباس، توبه را آخرین سوره نازل شده اعلام کرده است (طبرسی، 612/10). هرچند شهرستانی روایتی از ابن واقد نقل نموده که او نیز سوره مائده را آخرین سوره قرآن قرار داده است (شهرستانی، 9/1).

2. روایات اختصاصی هر سوره

افزون بر روایات ترتیب نزول، مفسران ذیل هر یک از سوره‌های مائده، توبه و نصر نیز به بیان روایاتی پرداخته‌اند که هر یک از سوره‌ها را آخرین سوره نازل اعلام نموده‌اند.

یکم. روایات ویژه سوره مائده

جگونگی نزول سوره مائده

برخی قرآن‌پژوهان نزول سوره مائده را دفعی و برخی تدریجی دانسته‌اند؛ چنان‌که در زمینه نزول دفعی این سوره چند گزارش یافت می‌شود.

نخست روایت ابوحمزه ثمالی از امام صادق 7 است که نزول سوره مائده را یکباره و با همراهی هفتاد هزار فرشته توصیف نموده است (فیض کاشانی، 105/2؛ حویزی، 582/1). روایت دوم را احمد بن حنبل با سلسله سندی از اسماء بنت یزید نقل نموده است. وی گفت: «هنگامی که همه سوره مائده فرود آمد، پیامبر در مناسوار بر شتر بود که از شدت سنگینی وحی، شتر پیامبر بر زمین فرود آمد» (ابن کثیر، 3/3؛ بیهقی، شعب الایمان، 78/4). سوم روایت ربیع بن انس است که نزول سوره مائده را در مسیر حجّة‌الوداع خوانده است. چهارم روایت محمد بن کعب که او نیز نزول سوره مائده را در مسیر میان مکه و مدینه در حجّة‌الوداع دانسته است. ابوهریره نیز زمان نزول سوره مائده را هنگام برگشت پیامبر از حجّة‌الوداع در روز 18 ذی‌الحجه خوانده است (ابن عاشور، 6/5).

با این وجود، به‌رغم قرآینی مبنی بر نزول دفعی سوره مائده، همچنان گروهی از قرآن‌پژوهان، نزول این سوره را تدریجی دانسته‌اند (ابن عطیه، 143/2؛ دروزه، 9/9، جوادی آملی، 485/21؛ عبده، 96/6). برخی نزول آن را هنگام بازگشت رسول خدا از حجّة‌الوداع، بعضی هنگام بازگشت آن حضرت از حدیبیه، و گروهی نزول برخی آیات آن را روز عرفه و دسته‌ای در روز غدیر می‌دانند (قرطبی، 30/6؛ عبده، 96/6).

در این میان، ابن عاشور پس از بیان اقوال گوناگون درباره زمان نزول سوره مائده، به داوری میان آنها پرداخته و با عنایت به مقایسه محتوای دو سوره توبه و مائده، آغاز نزول مائده را در مدینه قبل از خروج پیامبر برای حجّة‌الوداع، و پایان آن را در

حجّة الوداع دانسته است؛ زیرا در سوره برائت از وضعیت منافقان، فراوان سخن گفته که این متناسب با وقایع سال نهم هجرت است، در حالی که در سوره مائده، جز یک مورد، سخنی از نفاق‌افکنان به میان نیامده که این خود حاکی از آن است که سوره مائده پس از حل نسبی معضل نفاق و زمانی که تنها موضوع تعامل با اهل کتاب و دست‌اندازی آنان باقی مانده بود، نازل شده است (ابن عاشور، 5/5-7).

بیهقی نیز ابتدای نزول سوره مائده را در مینا در حجّة الوداع اعلام کرده (عبده، 6/96) که با توجه به اتفاق نظر مفسران بر پایان این سوره در همین ایام، دیدگاه بیهقی را می‌توان به صورت اعتقاد به نزول تدریجی سوره مائده به صورت قطعات پشت سرهم و بدون فاصله معنا کرد.

در نهایت وجه مشترک اعتقاد کسانی که نزول سوره مائده را دفعی یا تدریجی دانسته‌اند، آن است که حدود زمان نزول این سوره را در حجّة الوداع سال دهم هجری و مؤخر از سوره توبه اعلام کرده‌اند که در نتیجه، روایات تاریخی بیانگر زمان نزول سوره مائده را می‌توان نخستین قرینه مبنی بر «آخِرُ مَا نُزِلَ» بودن این سوره به حساب آورد.

زمان نزول سوره مائده

در منابع گوناگون، روایتی از حضرت علی 7 نقل شده که نزول سوره مائده را دو یا سه ماه قبل از رحلت پیامبر اعلام کرده‌اند که خود مؤید عنوان پیشین این نوشتار درباره نزول سوره مائده در حجّة الوداع است. بنا بر این روایت، حضرت علی 7 در برابر پرسش صحابه درباره جواز مسح بر کفش (خفین) فرمود: «مسح بر کفش با استناد به احکام سوره مائده که تنها دو یا سه ماه قبل از رحلت پیامبر نازل شده، نسخ گردیده است» (بحرانی، 2/214).

ناسخ بودن سوره مائده

سومین قرینه، روایتی است که سوره مائده را ناسخه غیر منسوخه خوانده است. از جمله روایتی از حضرت علی 7 که فرمود: «برخی از آیات قرآن با برخی دیگر نسخ می‌گردد و سوره مائده آخرین سوره‌ای است که نازل شد و آیات قبل از خود را نسخ نمود؛ در حالی که چیزی از محتوای آن نسخ نگردید. از این رو پیامبر بدین سوره عمل

می‌نمود و ما نیز از آن پیروی می‌کردیم» (عیاشی، 288/1؛ طبرسی، 231/3؛ فیض کاشانی، 105/2). سیوطی نیز نخست روایتی از ابومیسره نقل نموده که وی معتقد بود چیزی از سوره مائده نسخ نگردیده است. سپس روایتی از ابن عون نقل کرده است که گفته: «از حسن بصری پرسیدم: آیا چیزی از سوره مائده نسخ گردیده که او پاسخ منفی داد» (سیوطی، الدر المنثور، 252/2). قرطبی نیز روایتی با مضمون مشابه از ابومیسره نقل نموده که نه تنها سوره مائده را آخرین سوره و غیرمنسوخه می‌دانست، بلکه به هجده حکم منحصر به فرد آن اشاره می‌نمود (قرطبی، 30/6).

صادقی تهرانی نیز سوره مائده را آخرین سوره معرفی کرده و حلال و حرام آن را ابدی دانسته است. وی سپس آیات این سوره را برخلاف سایر پاره‌های وحی، غیرقابل نسخ معرفی نموده و در تکمیل این موضوع، به معنای نسخ در ادوار گذشته پرداخته است. وی با عنایت به معنای فراگیر نسخ در آرای پیشینیان که مشمول معنای نسخ در معنای امروزی، تقیید و تخصیص می‌شده، غیرمنسوخ بودن سوره مائده را بدین معنا دانسته که آیات و احکام این سوره نه تنها نسخ نمی‌پذیرد، بلکه تقیید و تخصیص نیز نمی‌خورد و شاخص اصلی در هرگونه تعارض با دیگر آیات وحی محسوب می‌شود (صادقی تهرانی، 9/8).

احکام ابدی سوره مائده

روایتی از پیامبر مبنی بر حلال و حرام بودن ابدی احکام سوره مائده نقل شده که البته به‌طور موقوف، از قول صحابه نیز مکرر بیان گردیده است. بنا بر این روایت، پیامبر ﷺ در حجة الوداع، مائده را آخرین سوره نازل معرفی کرده و همگان را به التزام به حلال و حرام احکام این سوره فرا خوانده است (سیوطی، الدر المنثور، 252/2؛ ثعلبی، 5/4؛ عیاشی، 288/1؛ ابن کثیر، 2/3؛ مجلسی، 69/9؛ بحرانی، 430/1). عایشه نیز گفته: «مائده آخرین سوره نازل شده است. پس آنچه از حلال این سوره یافتید، آن را حلال بشمارید و آنچه از حرام آن یافتید، بدان عمل کنید.» حاکم در المستدرک، این روایت را طبق شرایط شیخین، صحیح دانسته است (حاکم نیشابوری، 311/3).

بغدادی بر روایت مذکور چنین تحلیل نوشته که اگر پیامبر 6 التزام به حلال و حرام این سوره را به‌طور خاص متذکر شده، به سبب آن است که مخاطبان را به مضامین این سوره توجه ویژه دهد، وگر نه مسلمانان موظفند به تمام احکام الهی التزام ورزند. بدین جهت هدف از روایت مذکور، توجه ویژه مسلمانان به آخرین سوره نازل شده است که افزون بر غیرمنسوخه بودن، دارای هجده حکم ویژه و منحصر به‌فرد نیز هست (بغدادی، 3/2).

دوم. روایات ویژه سوره توبه

در منابع گوناگون هرگاه قرآن‌پژوهان بر «آخِرُ ما نُزِّل» بودن سوره براءت تأکید ورزیده‌اند، سخن خود را به فهرست ابن عباس یا به سخن براء بن عازب مستند ساخته‌اند. لازم به ذکر است که درباره سوره توبه به‌رغم سوره مائده، جز تصریح سه تن از متقدمان مبنی بر «آخِرُ ما نُزِّل» بودن این سوره، قرینه دیگری وارد نشده است. بنا بر یک روایت، براء بن عازب که از انصار صحابه و خزرجی به‌شمار می‌رفت، بر این باور بود که توبه آخرین سوره نازل شده است (ابن ضریس، 35/1). دو روایت نیز از اَبی بن کعب نقل شده که او دو آیه آخر سوره توبه را آخرین پاره وحی دانسته است (همان، 38).

روایتی نیز از ابن عباس نقل شده که وی به عثمان به خاطر قرین ساختن دو سوره براءت و انفال که اولی از سور مئین و دومی از سور مثنی بوده و حذف بسمله میان آنها و قرار دادنشان در سور سبع طوال، اعتراض کرده است. عثمان در پاسخ، به اقدام پیامبر در دستور به کتّاب وحی در خصوص جای گذاری آیات نازله در هر سوره استناد کرده که در خلال پاسخش، به نزول انفال در اوایل مدینه و نزول توبه در آخر قرآن اشاره نموده است (حاکم نیشابوری، 341/2).

درباره رابطه براء با حضرت علی 7 در منابع رجالی شیعه چنین آمده که وی و انس بن مالک به انکار غدیر پرداختند که همین موجب شد حضرت علی 7 آن دو را نفرین نمایند. انس توبه نمود و عهد بست فضایل حضرتش را هرگز کتمان ننماید، اما براء از انکار خویش بازنگشت و در اثر نفرین حضرت علی 7 نابینا شد (کشی، 44-).

45). چنان‌که روابط نیکوی او با معاویه نیز گزارش شده و شیخ حرّ عاملی، مرگ وی را به سبب عدم معرفت به امامش، مرگ جاهلی خوانده است (حرّ عاملی، 452/3). از این رو با عنایت به اینکه سوره مائده شامل آیاتی همچون اکمال، تبلیغ و ولایت است که لزوم انطباق این آیات با واقعه غدیر مستلزم نزول سوره مائده در آخرین برهه حیات پیامبر است، می‌توان دیدگاه براء بن عازب را با توجه به عنادی که با حضرت علی 7 داشته، یک اظهار نظر سیاسی دانست. بدین معنا که شاید وی سوره توبه را آخرین سوره نازل شده توصیف نموده تا انطباق آیات مذکور در سوره مائده و تصریح پروردگار بر اکمال دین به واسطه اعلام ولایت حضرت علی 7 را انکار نماید.

در روایات ابی بن کعب نیز هیچ اشاره‌ای به آخرین سوره نازل نشده است، بلکه ابی تنها به توصیف دو آیه آخری که نازل شده، پرداخته است، از این رو چه بسا حتی نتوان اظهار نظر وی را قرینه‌ای مبنی بر «آخِرُ مَا نُزِلَ» بودن سوره توبه به حساب آورد. در مکالمه ابن عباس و عثمان نیز موضوع سؤال و جواب میان آن دو امر دیگری بوده و چه بسا اشاره عثمان به سوره توبه که آخر قرآن واقع شده، در برابر سوره انفال که ابتدای دوران مدینه نازل گردیده است، به معنای تعیین دقیق آخرین سوره قرآن نبوده، بلکه حدود زمانی نزول سوره توبه را بیان نموده است. از این رو به نظر می‌رسد اولی اظهار باطل و عامدانه بوده و دومی و سومی در صدد تعیین دقیق آخرین سوره قرآن و مقدم دانستن سوره مائده بر توبه نبوده باشد.

سوم. روایات ویژه سوره نصر

بنا بر برخی روایات، سوره نصر آخرین سوره نازل شده است. از جمله آنکه روایت شده هنگامی که سوره نصر نازل گردید، اصحاب شادمان شدند، جز عباس بن عبدالمطلب که گریست و گفت: گمان می‌کنم این سوره از پایان عمر پیامبر خبر می‌دهد. پیامبر 6 نیز پس از آن شادمان نشد و دو سال بیشتر زندگی ننمود (طبرسی، 844/10). بنا بر روایتی از امام صادق 7 نیز آخرین سوره قرآن، نصر بوده است (بحرانی، 69/1). مُسَلِّم نیز روایتی از ابن عباس نقل نموده که بر خلاف روایات ترتیب نزول، وی سوره نصر را آخرین سوره اعلام کرده است (سیوطی، الاتقان فی علوم

القرآن، 117/1). در تفسیر علی بن ابراهیم نیز ادعا شده که سوره نصر در حجّة الوداع نازل گردیده است (قمی، 446/2)، چنان‌که سوره نصر به سوره تودیع نیز لقب گرفته است (بیضاوی، 344/5).

در حالی که مفسران به اتفاق، مفاد اصلی سوره نصر را مژده به فتح مکه دانسته‌اند که پیش از آن به پیامبر 6 داده شد و ورود گروهی مردم به اسلام را نیز بر وقایع پس از فتح که مردم جزیره‌العرب دسته‌دسته به مدینه آمده و بیعت می‌کردند، منطبق دانسته‌اند (طبری، 214/30؛ بیضاوی، 344/5؛ طبرسی، 843/10؛ طباطبایی، 650/20؛ ابن عاشور، 524/30). اما با عنایت به حوادث متعددی از جمله اعلام برائت از مشرکان، جنگ حنین، جنگ تبوک، مراسم حجّة الوداع و اعلام ولایت حضرت علی 7 که جملگی پس از فتح مکه رخ داده، نمی‌توان آخرین پاره وحی را بشارت به فتح مکه اعلام کرد.

افزون بر آنکه در روایتی که از گریه عباس بن عبدالمطلب سخن گفته، به رحلت پیامبر 6 دو سال پس از نزول این سوره تصریح کرده است. چنان‌که قتاده نیز وفات پیامبر را دو سال پس از سوره نصر توصیف کرده است (طوسی، 426/10). در صورتی که دیگر روایات از رحلت پیامبر 6 9 روز، 15 روز و یا 70 روز پس از پایان وحی سخن گفته‌اند (سیوطی، الاتقان، 115/1)، نه دو سال پس از آن.

از این رو قرآن‌پژوهان بدون تردید، سوره برائت را متأخر از نصر دانسته و به منظور جمع میان این روایات متعارض، سوره نصر را آخرین سوره کوچک دفعی‌النزول دانسته‌اند (طباطبایی، 654/20؛ معرفت، التمهید فی علوم القرآن، 128/1).

جمع‌بندی

تأمل در روایات ترتیب نزول در نهایت مخاطبان را به دو روایت امام صادق 7 و ابن عباس سوق می‌دهد که اولی سوره مائده و دومی سوره توبه را «آخر ما نُزل» معرفی کرده است. اما روایت امام صادق 7 منفرد نیست، بلکه روایات دیگری از پیامبر 6، حضرت علی 7 و همین امام همام در وصف «آخر ما نُزل» بودن سوره مائده وارد شده که قراین خارجی مبنی بر آخرین سوره بودن مائده را بیش از پیش

استحکام می‌بخشد. در حالی که سوره توبه از چنین روایاتی که «آخِرُ ما نُزِلَ» بودن آن را تأیید نماید، تهی است و روایات اندک سوره نصر نیز اذهان را به سوی تعیین آخرین سوره کوچک قرآن سوق می‌دهد.

ب) دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان در تعیین آخرین سوره

در این زمینه نظریات اندیشمندان مسلمان از مستشرقان تفکیک شده و مسلمانان نیز بر مبنای دوره زمانی، به دو گروه متقدم و متأخر تقسیم گردیده‌اند.

1. فهرست‌های قرآن‌پژوهان متقدم

برخی از قرآن‌پژوهان با قرآینی که در دست داشتند - که اغلب همان روایات ترتیب نزول بوده - به فهرست‌بندی سوره‌های مکی و مدنی پرداختند. در این میان، نخست تصریح متقدمان از عصر صحابه و تابعین مبنی بر «آخِرُ ما نُزِلَ» بودن سوره مائده درخور اعتناست. چنان‌که عایشه از آخر بودن مائده سخن گفته است. ترمذی نیز در روایتی که خود آن را «حسنٌ غریبٌ» خوانده، اعتقاد به آخر بودن سوره مائده را به عبدالله بن عمر نسبت داده است (ابن کثیر، 3/3). شیخ طوسی نیز با اندک تفاوتی، همین مضمون را از ابن عمر نقل نموده است (طوسی، 413/3). چنان‌که قرطبی نیز اعتقاد به آخرین بودن سوره مائده را به ابومیسره نسبت داده است (قرطبی، 30/6).

پس از این دوره، قدیمی‌ترین کتابی که جدول ترتیب نزول سوره‌ها را گزارش کرده است، کتاب «تنزیل القرآن» محمد بن مسلم زهری می‌باشد. وی در ابتدای کتاب، ترتیبی از نزول سوره‌های قرآن ارائه کرده که جز در سوره‌های حمد، هُمزَه و قمر، هماهنگ با ترتیب ابن عباس است. از این رو وی سوره توبه را آخرین سوره نازله معرفی نموده است (زهری، 42).

سپس مقاتل بن سلیمان به سوره مائده اشاره کرده که پس از فتح مکه تا فاصله جنگ تبوک نازل شده است (مقاتل، 447/1). پس از آن، دو روایت مسند از عطاء خراسانی از ابن عباس در کتاب «فضائل القرآن» نقل شده که او نیز توبه را آخرین سوره قرار داده است (ابن ضریس، 35/1).



بیهقی در «دلائل النبوة» جدولی از ترتیب نزول سوره‌ها از طریق عکرمه و حسن بصری ارائه کرده که در آن نیز توبه آخرین سوره ذکر شده است (بیهقی، دلائل النبوة، 142/7). این دو تابعی بر خلاف دیگر روایات نزول که سوره مائده را در ردیف 113 یا 114 قرار داده‌اند، سوره مائده را 23 سوره قبل از سوره براءت، یعنی در مقام 95 جای گذاری کرده‌اند.

پس از آن طبرسی ذیل سوره انسان، به ترتیب نزول سوره‌ها پرداخته است. وی نیز با استناد به روایت ابن عباس، سوره براءت را آخرین سوره نازل اعلام کرده است (طبرسی، 612/10). در همین زمان در تفسیر «مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار» منسوب به شهرستانی، پنج جدول ترتیب نزول بی‌سند از مقاتل، امیرالمؤمنین 7، ابن عباس، ابن‌واقد و امام صادق 7 آمده که شهرستانی ادعا کرده آنها را از ثقات اخذ کرده است (شهرستانی، 7/1).

سپس بغدادی در «تفسیر خازن» به ارائه جدولی بی‌سند و البته ترکیبی و منتخب از ترتیب نزول سوره‌ها پرداخته و به توثیق رجال سلسله سندش تصریح کرده است. وی سوره مائده را آخرین سوره نازل شده معرفی کرده است (بغدادی، 10/1). ابن شهر آشوب نیز در «مثنی‌القرآن» با تصریح بر غیرمنسوخه بودن سوره مائده، اقتضای مذهب تشیع را «آخر ما نزل» دانستن سوره مائده دانسته است (ابن شهرآشوب، 229/2).

پس از آن زرکشی در «البرهان» نیز ترتیبی نزدیک به ترتیب نزول تفسیر خازن ارائه داده و رجال سندش را نیز توثیق نموده و همچنان سوره مائده را آخرین سوره قرار داده است (زرکشی، 280/1). سیوطی نیز صرفاً به نقل اقوال مختلف پرداخته است (سیوطی، الاتقان، 116/1).

2. فهرست‌های قرآن‌پژوهان متأخر

در دوران معاصر، ملاحویش آل‌غازی سوره توبه را پس از مائده قرار داده و البته سوره نصر را آخرین سوره دانسته است (ملاحویش، 399/6). در حالی که وی ذیل آیه

دوم مائده، با اتکا به روایات صریحی که آیات سوره مائده را غیرمنسوخه توصیف نموده‌اند، این سوره را آخرین سوره قرآن معرفی نموده است (همان، 287/).

دروزه نیز سوره مائده را در ردیف 110، توبه را 113 و نصر را آخرین سوره قرار داده است (دروزه، 5/9). اما ابن عاشور با استناد به قراین درون‌متنی دو سوره مائده و براءت، سوره مائده را متأخر دانسته است (ابن عاشور، 7/5).

آیت‌الله خویی هم در مبحث نسخ، مکرر به روایات گوناگون «آخراً ما نُزِلَ» بودن سوره مائده و ناسخ بودن آن اشاره کرده و مائده را آخرین سوره معرفی نموده است (خویی، 340). چنان‌که علامه طباطبایی و آیت‌الله صادقی تهرانی نیز با عنایت به روایات ناسخه بودن مائده، این سوره را آخرین سوره دانسته‌اند (طباطبایی، 204/2؛ صادقی تهرانی، 9/8).

بازرگان در کتاب سیر تحول قرآن که به اندازه‌گیری طول پاره‌های وحی پرداخته، قاطعانه مائده را آخرین سوره معرفی کرده و نزول سوره توبه را پنج سوره قبل از آن دانسته است (بازرگان، 567). پس از آن نیز آیت الله معرفت با اعتماد به روایت ترتیب نزول ابن عباس، توبه را آخرین سوره معرفی نموده است (معرفت، تاریخ قرآن، 137/1)، ولی ایشان پس از نقل دیدگاه ابن واضح یعقوبی در خصوص آیه اکمال که آخرین آیه نازل شده است، می‌افزایند:

«سوره براءت پس از فتح مکه در سال نهم هجرت نازل شده و سوره مائده در سال دهم هجرت (سال حجة الوداع) نازل شده است. علاوه بر آن سوره مائده مشتمل بر یک سری احکام است که پایان جنگ و استقرار اسلام را می‌رساند، به‌ویژه آیه اکمال که از پایان کار رسالت خبر می‌دهد و با آخرین آیه در آخرین سوره تناسب دارد.» (همو، التمهید فی علوم القرآن، 46)

در نهایت با رجوع به این هفده منبع درباره فهرست‌نگاری مسلمانان، باید اذعان داشت که منابع متقدم بیشتر به بیان اقوال پرداخته و منابع متأخر با استمداد از قوه اجتهاد، در صدد یافتن راهی برای جمع اقوال پراکنده برآمده‌اند که حاصل بیشتر نگاه‌های اجتهادی، به برگزیدن مائده به‌عنوان آخرین سوره انجامیده است. هرچند در

منابع متقدم نیز نقل قول‌ها و اظهارات قاطعانه متعددی در خصوص «آخر ما نُزل» بودن سوره مائده به چشم می‌خورد.

3. فهرست‌های مستشرقان

از اواسط قرن نوزده میلادی، دانشمندان غربی همچون مویر، ویل، نولدکه، گریم و بلاشر، به منظور تفهیم بهتر قرآن و پیامبر اسلام 6 به دنیای غرب، به مقوله تاریخ‌گذاری قرآن روی آوردند. بیشتر خاورشناسان بر خلاف مسلمانان، تقریباً به روایات ترتیب نزول اعتمادی نکرده‌اند، ولی تا حدود بسیاری به روایات اسباب نزول و مکی و مدنی و سیره تکیه نموده‌اند. البته بیش از روایات، به آهنگ و مضمون و سبک سوره‌های قرآن توجه داشته‌اند (نکونام، 10). بدین جهت فهرست‌نگاری آنان بیشتر متکی به قراین درون‌متنی سوره‌هاست تا قراین برون‌متنی آنها. در این میان پنج نفر از مستشرقان به فهرست‌نگاری دقیق تمامی سوره‌ها پرداخته‌اند که گزارش آنان از آخرین سوره نازل‌ه چنین است:

پیش از همه، مویر در دو کتاب «زندگانی پیامبر و قرآن» و «ترکیب و تعلیم»، به طبقه‌بندی شش‌گانه از سوره‌های مکی و مدنی پرداخته و در طبقه آخر، سوره‌های مدنی را به ترتیب گزارش نموده است. وی سوره مائده را هفتمین سوره مدنی از میان بیست‌ویک سوره مدنی دانسته است. به دیگر بیان، وی سوره مائده را صدونهمین سوره در ترتیب نزول جای‌گذاری کرده و سوره توبه را آخرین سوره اعلام نموده است (اسکندرلو، نقد تاریخ‌گذاری وحی به روایت مویر، 246).

سپس ویل عمدتاً با اتکا به حوادث زمان‌مند قرآن و سبک و ساختار سوره‌ها، به طبقه‌بندی چهارگانه از دوران نزول قرآن پرداخت که سه دوره آن را مکی و دوره آخر را مدنی قرار داد (نکونام، 13). وی سوره مائده را آخرین سوره تعیین نمود (همان، 297).

نولدکه سومین مستشرقی بود که با تأثیر از نتایج تحقیقات ویل، به ارائه ترتیب نزول پرداخت (همان، 15). وی نیز در دوره مدنی، مائده را آخرین سوره و توبه را قبل از آن قرار داده است (اسکندرلو، مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن، 97/3).

پس از او، گریم به طبقه‌بندی مشابه ویل روی آورد (نکونام، 17)، اما او سوره مائده را نودوپنجمین سوره و توبه را آخرین سوره قرار داده است (همان، 297).

متأخرتر از دیگران، بلاشر، مستشرق فرانسوی است که با تأثیر از تحقیقات ویل و نولدکه، به طبقه‌بندی سوره‌ها روی آورد (همان، 20) و او نیز دیگر بار، مائده را آخرین سوره قرآن معرفی کرد (همان، 297).

جمع‌بندی

در نهایت پس از بررسی روایات ترتیب نزول و فهرست‌نگاری مسلمانان و مستشرقان که برخی سوره مائده و گروهی سوره توبه را به‌عنوان آخرین پاره‌های نازل شده انتخاب کرده‌اند، معلوم گردید که اغلب، اندیشمندان هرگاه سوره توبه را به‌عنوان آخرین سوره انتخاب کرده‌اند، تحت تأثیر روایت ترتیب نزول ابن عباس بوده و هرگاه سوره مائده به‌عنوان آخرین قطعات وحی انتخاب شده، مبتنی بر روایات متعدد معصومین و البته قراین درونی این سوره بوده است. اما در داوری میان این اقوال، بدون تردید روایت ترتیب نزول امام صادق 7 و روایات اختصاصی سوره مائده که آن را «آخِرُ مَا نُزِلَ» معرفی نموده، وزنه این سوره را در قیاس با سوره نصر و توبه چنان سنگین می‌گرداند که به‌صراحت می‌توان به «آخِرُ مَا نُزِلَ» بودن سوره مائده حکم نمود. با این وجود در کنار همه قراین بیرونی که آخر واقع شدن سوره مائده را مسجّل می‌سازد، تکیه بر قراین درونی، نتیجه این داوری را قطعی می‌گرداند. چنان‌که بافت سوره مائده نسبت به بافت سوره توبه و وقایع زمان‌مندی که در دو سوره بدان اشاره گردیده، جملگی بر متأخر بودن سوره مائده در قیاس با سوره توبه دلالت می‌نماید. از این رو در راستای تحکیم رأی به «آخِرُ مَا نُزِلَ» بودن سوره مائده، در ادامه به مقایسه دو عنصر بافت و آیات زمان‌مند دو سوره توبه و مائده پرداخته می‌شود.

قراین درونی سوره مائده

بنا بر یافته‌های این پژوهش، افزون بر روایات متعددی که از «آخِرُ مَا نُزِلَ» بودن سوره مائده خبر داده، قراین مستحکمی در نص آیات بر این امر دلالت دارد. چنان‌که این معنا را از تطبیق آیات زمان‌مند و بافت هر یک از دو سوره توبه و مائده می‌توان دریافت.

الف) مقایسه تاریخ‌گذاری سوره‌ها با استناد به نص آیات وحی

آیات قرآن تنها منبع اصیل و غیرمحرّف برای تاریخ‌گذاری قرآن است. هر دو سوره مائده و توبه نیز در زمره سوره‌هایی هستند که در آن به رخداد‌های مشخصی در زمان پیامبر اشاره شده که با استمداد از آنها، می‌توان به تاریخ‌گذاری این دو سوره دست یافت.

1. تاریخ‌گذاری فقرات وحی در سوره توبه

در سوره توبه به سه واقعه مشخص اشاره شده است. نخست جنگ حنین که به فاصله بسیار اندکی از فتح مکه رخ داده است. بنا بر تصریح مورخان، پیامبر پس از فتح مکه، عازم جنگ با قبیله هوازن در منطقه حنین گشت. به‌رغم فراوانی جمعیت مسلمانان، اما چنددستگی سپاه پیامبر، آنان را با اولین حملات به‌سرعت پراکنده ساخت و در معرض شکست قرار داد. پیامبر از مردم در حال فرار درخواست کمک نمود که تعداد اندکی از آنان بازگشتند و با رشادت ایشان، جنگ به نفع مسلمانان خاتمه یافت (جعفریان، 634/1). آیات 25-27 توبه به‌صراحت از حنین و کمک غیبی خداوند نام برده است.

دومین واقعه جنگ تبوک است که هرچند از آن در آیات نام برده نشده، اما حوادث مرتبط با آن از آیه 38 تا 118 این سوره به‌طور مفصل نقل گردیده است. در این جنگ که در ماه رجب سال نهم هجری واقع شد، مسلمانان در فصل گرمای تابستان و در هنگامه برداشت محصول، به شمال جزیره‌العرب حرکت نمودند که سختی طاقت‌فرسای این جنگ، موجب بهانه‌جویی بسیاری از منافقان برای معاف شدن از جهاد شد که در پی آن، آیات فراوانی قبل و بعد از جنگ، در نکوهش آنان نازل گشت (همان، 644).

آخرین واقعه نیز به اعلام براءت از مشرکان در مراسم سال نهم هجری باز می‌گردد که آیات ابتدایی سوره در این باره نازل گردیده و توسط حضرت علی 7 در مراسم حج اعلام شده است (همان، 657).

در نهایت با استناد به وقایع زمان‌مندی که در این سوره به آنها اشاره گردیده و اغلب آیات این سوره را به خود اختصاص داده است، متأخرترین آیات سوره توبه مرتبط با اعلام براءت از مشرکین است که در ذی‌الحجه سال نهم هجری نازل شده و نزول دیگر آیات به پیش از این زمان برمی‌گردد.

2. تاریخ‌گذاری فقرات وحی در سوره مائده

بنا بر روایات متعدد از زمان نزول سوره مائده - که پیش‌تر بدان پرداخته شد - این سوره در مراسم حج سال دهم هجرت - یک سال پس از نزول سوره توبه - نازل گردیده است. در این سوره مشخصاً به یک واقعه تاریخی اشاره شده که آن، اعلام ولایت حضرت علی 7 در حجّة‌الوداع بوده که دو آیه تبلیغ و اکمال در ارتباط با آن نازل گردیده است. ابن عاشور، اندیشمندان را درباره نزول آیه اکمال در روز عرفه در حجّة‌الوداع متفق دانسته و عبارت پیامبر در خطبه این مراسم را که فرمود: «همانا شیطان از اینکه در شهر شما مورد پرستش واقع شود، نومید گشته، اما همین که اعمال نیک شما را تحقیر نماید، راضی گشته است. پس مراقب او باشید»، مؤیدی بر نزول این آیات در این برهه دانسته است (ابن عاشور، 7/5).

آیت الله جوادی آملی پیرامون زمان نزول آیات اکمال و تبلیغ می‌گوید:

«خداوند بخش اعظم سوره مائده، از جمله آیه اکمال دین و مسأله ولایت را روز عرفه نازل کرد و پیامبر ضمن تلاوت آنها در روز عرفه، بیان ولایت را تا روز غدیر خم به جهت مصالحی به تأخیر انداخت. لذا روایاتی که نزول آیه ولایت را روز غدیر می‌دانند (واحدی، 204)، بر تلاوت آیه در روز غدیر ختم می‌شوند.» (جوادی آملی، 485/21)

در هر صورت، چه نزول این آیات را در روز عرفه و چه در روز غدیر بدانیم، نزول آنها بدون شک در آخرین ماه‌های حیات پیامبر و به‌طور قطع، پس از نزول سوره براءت خواهد شد.

ب) مقایسه بافت درون‌متنی دو سوره

پس از تاریخ‌گذاری دو سوره مائده و توبه، از لحن این دو سوره و بافت دورن‌متنی آنها نیز می‌توان به تقدم و تأخرشان پی بُرد.

1. بافت سوره توبه

سوره توبه چنان‌که از رخدادهای زمان‌مند آن هویداست، در اوج درگیری میان مسلمانان و مشرکان مکه و سپس اهل کتاب نازل گشته است، از این‌رو مؤمنان را به



مقاومت هرچه تمام‌تر و برخورد دفعی با غیرمسلمانان فرا خوانده و حتی مسلمانانی را که در جهاد سستی می‌ورزند، با شدیدترین عبارات عتاب نموده است. بدین جهت این سوره شدیداً للحن را می‌توان در چند بخش کاملاً مرتبط دسته‌بندی کرد.

نخست قسمت ابتدایی سوره از اول تا آیه 15 می‌باشد که قاطعانه از جهاد با مشرکان سخن گفته است. هرچند در این برهه نیز اخلاق بر روح جهاد اسلامی غلبه کرده و پیمان با مشرکان تا زمانی که آنان نقض نکرده یا مدتش به سر نیامده است، حکم به جهاد را متوقف ساخته است (آیات 4 و 12). در این زمینه اهل کتاب منحرف در عقیده که به شرک گراییده‌اند (آیه 30) یا منحط در رفتار که حرام الهی را حرام نشمرده (29) و به مال‌اندوزی ناروا و گمراهی مردم روی آورده‌اند (34) نیز داخل در حکم جهاد گشته‌اند. چنان‌که مقلدین آنان نیز که بی‌پروا از عالمان خویش تبعیت می‌نمایند، مورد غضب الهی واقع شده (31) و خداوند پیشاپیش بشارت غلبه بر این بددینان را داده است (32-33).

در دومین برهه به اقتضای لزوم تهییج مسلمانان بر جهاد علیه بددینان، به تفصیل سخن از منافقین گفته شده است. از این رو این سوره به نام‌هایی همچون توبه، الفاضحه، المبعثره و العذاب نیز نامیده شده است (طبرسی، 3/5) که در ارتباط با رسوایی منافقان و عذاب ایشان و توبه برخی از آنان می‌باشد. بدین سبب در این سوره ابتدا منافقان به سبب دلبستگی به منافع دنیوی و سستی در جهاد با مشرکان و به دوستی گرفتن خویشان مشرک خویش نکوهش شده‌اند (24). سپس به سبب ترس از فقر ناشی از قطع روابط تجاری با مشرکانی که از سفر به مکه محروم شده‌اند، ملامت گشته‌اند (28). در سومین مرتبه به میل منافقان به دشمن و فتنه‌انگیزی آنان در میان مسلمانان (48-49) و پرتوقعی آنان از پیامبر (58-59) و ساده‌لوح قلمداد کردن وی (61) اشاره شده و به سبب خشنودی ایشان از آسیب‌هایی که به مسلمانان می‌رسد، ملامت گردیده‌اند (50-52). پس از آن مفصل در رابطه با سستی در عزیمت به جنگ تبوک پیش از حرکت مسلمانان (38-47) و پس از بازگشت آنان که منافقان در صدد جبران نیامدن خویش بودند (80-96)، عتاب شده‌اند. در بخش پنجم به تمسخر (62-65) و سپس توطئه آنان مبنی بر قتل پیامبر اشاره شده و وعده عذاب و رسوایی به آنان داده

شده است (74). در ششمین نقد نیز منافقان مدینه به سبب ساخت مسجد ضرار به عنوان کانون فتنه‌انگیزی مؤاخذه شده‌اند (107-110).

در مجموع این سوره را می‌توان نقطه اوج درگیری آیات وحی با جامعه خودی و غیرخودی مسلمانان دانست که با عتاب‌های قاطعانه و کم‌نظیر، به پاکسازی جامعه اسلامی پرداخته و آنان را در برابر دشمنانی که سدّ راه الهی کرده و از هیچ ضربه‌ای به پیکره نهاد نوپای مسلمین دریغ نمی‌ورزند، متحد ساخته است.

2. بافت سوره مائده

در سوره مائده هرچند جریان نفاق مستور نیست، اما همانند گستردگی سوره توبه دامنه ندارد؛ زیرا موج نفاق در آن سوره به اوج خود رسیده بود (جوادی آملی، 489/21). از این رو آخرین پاره‌های وحی بر اصلاحات محوری جامعه اسلامی متمرکز شده است. در حالی که از مناسبات آنان با غیر هم‌کیشان نیز غافل نشده و بر تنظیم روابط با آنان در ابعاد گوناگون اهتمام ورزیده است. بر همین اساس، بافت سوره مائده را از چند زاویه می‌توان بررسی نمود.

نخست آیات آغازین سوره که به بیان احکام پیمان‌ها، شعائر الهی و از جمله اذن ورود مشرکان به مکه، مأکولات حرام، شکارها، وضو و تیمم و خوراک و ازدواج با اهل کتاب پرداخته است (مائده/1-6).

در دومین بخش، سرگذشت اهل کتاب و خیانت آنان به عهدهایی که با پروردگار بستند، سستی ایشان در راه جهاد و عُجبی که بدان گرفتار بودند و عذابی که به آن مبتلا گشتند، بیان شده است (12-26).

در سومین بخش، برخی احکام قضایی همچون مجازات قتل، محاربه، سرقت و فسادانگیزی در جامعه اسلامی بیان گردیده است (27-40).

چهارمین بخش نیز بر بیان اهمیت همه کتب آسمانی متمرکز شده و افزون بر قرآن، دیگر کتب را نیز چنان دارای اعتبار دانسته که پیامبر را مأمور ساخته است تا بر اساس آنها میان اهل کتاب حکم دهد. از دیگر سو نیز متخلفان احکام کتب الهی را به کفر، فسق و ظلم مذمت نموده و حتی بر التزام پیامبر به دستورات الهی تأکید کرده است (41-50).

در پنجمین فقره، به مسأله ولی مسلمین پرداخته و آنان را از تبعیت اهل کتاب منع کرده و ویژگی‌های شاخص ولی مؤمنان را بیان کرده است (51-58).

در ششمین بخش به آسیب‌های اهل کتاب پرداخته و از جمله، آسیب افراط‌گری در میان آنان را نکوهش نموده است. از دیگر سو از مؤمنان اهل کتاب هم یاد کرده و برخی عالمان مسیحی را نزدیک‌ترین گروه به مسلمانان توصیف کرده است (59-84).

هفتمین بخش به بیان مجدد حدود پرداخته و به احکام مأکولات، سوگندها، شراب و قماربازی، حج و وصیت به اهل کتاب اشاره کرده است (88-108).

هشتمین بخش نیز از تولد مسیح و معجزات ویژه حضرتش سخن گفته و پس از داستان نزول مائده آسمانی، از مکالمه حضرت مسیح با پروردگار در روز محشر و برائت او از افراط‌گری پیروانش و از سویی شفاعت او در حق آنان، یاد کرده است (109-120).

پس از گذری بر بخش‌های گوناگون سوره مائده، بافت این سوره را از زاویه دیگری نیز می‌توان ترسیم کرد. از جمله تأمل در واژگان شاخص این سوره، همچون عقود و اکمال. چنان‌که سوره مذکور با تشویق مؤمنان بر التزام به عقود آغاز شده است (1 و 7). سپس به میثاق یهودیان با پروردگار اشاره نموده (12) و اهل کتاب را به سبب عهدشکنی مؤاخذه کرده است (13-14 و 70). چنان‌که مؤمنان را به توییح بر عهدشکنی هشدار داده و برای آن مجازات تعیین نموده است (89). در نهایت موضوع وفا به پیمان در پایان این سوره نیز آمده است. چنان‌که حضرت مسیح به خدای سبحان عرض می‌کند که به پیمان خود وفا کرده و چیزی به مردم نگفته، جز آنچه خدا فرمان داده است (جوادی آملی، 488/21). از این رو سوره مائده را به نام عقود نیز خوانده‌اند (ابن عاشور، 5/5).

همچنین از واژه اکمال و نعمت که با عقود نیز بی‌ارتباط نیست، یاد شده است. چنان‌که در پایان سوره، به داستان مائده آسمانی که به‌عنوان اتمام نعمت بر حواریون نازل گشته، اشاره نموده و آنان را در صورت نادیده انگاشتن نهایت لطف پروردگار و ناسپاسی، به عذاب بی‌نظیر تهدید نموده است (112-115). در ابتدای این سوره نیز مؤمنان را به اکمال دین و اتمام نعمت بشارت داده (3) و در کنار تأکید به حفظ

میثاق‌ها، اتمام نعمت خود بر آنان را نیز متذکر شده است (7). از این رو می‌توان نعمت اکمال دین را بزرگ‌ترین میثاق الهی با بندگان دانست که نعمت را بر آنان تمام ساخته و همچون حواریون، ناسپاسی و عهدشکنی در برابر آن، عقوبت سنگین و بی‌بدیل را برای مسلمین به همراه خواهد آورد. بر این اساس، برخی مفسران شیعی، برجسته‌ترین موضوع این سوره را مسأله ولایت و رهبری و اطاعت از ولی امر دانسته‌اند که از روشن‌ترین مصادیق آن پیمان، وفاداری به ولایت و امامت اهل‌بیت :، به‌ویژه حضرت علی 7 است که مهم‌ترین عقد خداوند با بندگان محسوب می‌شود (جوادی آملی، 489/21).

سومین واژه پرکاربرد این سوره، واژه تقواست که مؤمنان شانزده مرتبه بدان فرا خوانده شده‌اند (2، 4، 7، 8، 11، 35، 57، 65، 88، 93، 96، 100، 108، 112)، به‌گونه‌ای که این میزان امر به تقوا و پرهیزگاری در دیگر سوره‌ها بی‌همتاست. افزون بر آنکه سوره مائده، تنها موضعی است که به داستان رقابت پسران حضرت آدم پرداخته و تقوا را تنها شرط پذیرش اعمال از متقین خوانده است (27). اما در کنار تقوا، صفاتی همچون شدیدالعقاب (2، 98) و سریع الحساب (4) نیز از پروردگار ذکر گشته که مسلمانان را به تقوا و حفظ پیمان‌ها فرا می‌خواند. در حالی که جنبه تیشیری این سوره نیز با اوصافی همچون «غفورٌ رحیم» (3، 34، 39، 74، 98) و «غفورٌ حلیم» (101) از پروردگار تقویت شده است.

اما افزون بر این کلیدواژه‌ها که جملگی متناسب با آخرین سفارش‌های پروردگار به بندگان طراحی شده است، موضوع محوری سوره مائده نیز که آسیب‌شناسی توحیدمداران پیشین بوده، آن را درخور خاتمه یافتن وحی ساخته است. برخلاف سوره توبه که عمدتاً با عتاب به منافقان، به اصلاح یکی از اقشار جامعه اسلامی پرداخته است، در سوره مائده، پیوسته مجموعه جامعه مسلمانان آسیب‌شناسی گشته و مورد نقد واقع شده است. زمانی این موضوع اهمیت بیشتری می‌یابد که محتوای سوره مائده در غالب آیات، از پرداختن به موضوع مشرکان خارج شده و همواره از توحیدباوران سخن گفته و در بیشتر موضوعات نیز نگاهی انتقادی به آنان دارد. از جمله آنکه به موضوعاتی همچون آسیب خودبرتربینی و تصور مصونیت از عذاب الهی (18)، سستی

در همراهی با پیامبر الهی (22-25 و 70)، حرام‌خواری (42 و 62-63)، عهدشکنی (12-14)، ظلم و عداوت به هم‌کیشان و غیر هم‌کیشان (14، 64، 82)، کتمان حقایق کتاب آسمانی (15)، تحریف آیات الهی (13 و 41)، عدم اهتمام به تبعیت از آموزه‌های وحی (68)، سرسپردگی به دشمنان (51-57)، تمسخر مناسک عبادی ادیان توحیدی (57-58)، اشاعه فحشا و فسادانگیزی (64، 79)، تقلید بی‌خردانه از سنت‌های اجتماعی (104) و افراط‌گری (72-77) پرداخته است که همگی، آسیب‌هایی است که دین‌باوران اهل کتاب را به وادی انحراف سوق داده و نهاد نوپای مسلمانان را نیز تهدید می‌کرده است. از این رو بافت آسیب‌شناسانه این سوره که سعی بر حفظ مسلمانان از تمام آفت‌های دینداران گذشته نموده و ایشان را به التزام به دین، به‌عنوان اصلی‌ترین عهد بشریت با خداوند فرا خوانده است، شایستگی آن را دارد که در مقام آخرین سخنان پروردگار با بشر واقع شود.

در مجموع چنان‌که از بررسی بافت دو سوره هویدا است، از احکام فقهی ویژه و گسترده، آموزه‌های کلامی، به‌خصوص درباره جانشینی پیامبر و تعیین حدود تعامل با دیگر ادیان و دستورات اخلاقی همچون سفارشات مؤکد بر التزام به تقوا، اهتمام به نیکی و پرهیز از ظلم، به وضوح می‌توان به «آخِرُ مَا نُزِّلَ» بودن سوره مائده پی برد.

نتایج اعتقاد به «آخِرُ مَا نُزِّلَ» بودن سوره مائده

اعتقاد به «آخِرُ مَا نُزِّلَ» بودن سوره مائده، نتایج متعددی در حوزه چگونگی تعامل مسلمانان با هم‌کیشان و غیر هم‌کیشان در زمینه‌های گوناگون دینی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به ارمغان می‌آورد که زیربنای اداره جامعه اسلامی را تشکیل می‌دهد که هرچند تفصیل آن در این نوشتار نمی‌گنجد، اما مهم‌ترین نتایج آن را در دو مقوله می‌توان بیان نمود.

نخست مسأله مواجهه با مشرکان که در سوره توبه پس از مهلت چهارماهه‌ای که به آنان داده، مسلمانان را موظف به قتال و جنگ با آنان در هر نقطه‌ای نموده است (توبه/2-5). سپس آنان را نجس خوانده و ورودشان به مسجدالحرام را برای همیشه ممنوع نموده است (28). به سبب آنکه سفر مشرکان به مکه افزون بر مراسم عبادی، به

منظور مهم‌ترین تبادلات اقتصادی نیز بوده است. آیه 28 توبه پس از آنکه ورود مشرکان به مسجدالحرام را ممنوع نموده، به مسلمانانی که به سبب برهم خوردن روابط تجاری خوف فقر داشتند، تسلی خاطر داده است. از این رو بر اساس این سوره، روابط اقتصادی مسلمانان با مشرکان نیز به حداقل ممکن کاهش یافته است.

در حالی که در سوره مائده، مسلمانان موظف شده‌اند ورود همه کسانی را که (حتی مشرکان) برای زیارت کعبه یا تجارت و روابط اقتصادی به مکه سفر می‌کنند، محترم شمرده و از هرگونه تعدی و ظلم به آنان بپرهیزند و فراتر از آن، بر احسان و تقوا با یکدیگر متحد گردند (مائده/2).

دومین مقوله به مواجهه مسلمانان با اهل کتاب باز می‌گردد. در سوره توبه فرمان جنگ به آنان صادر شده تا زمانی که اسلام بیاورند و یا با خفت، جزیه پرداخت نمایند (توبه/29). سپس به آسیب‌های فکری و رفتاری آنان اشاره نموده که در حوزه اندیشه، مسیح و عَزیر را پسران خدا پنداشته‌اند (30)، و در حوزه رفتار، کورکورانه از عالمان خویش تقلید می‌کردند (31)، در حالی که این عالمان خود به فساد مبتلا بوده و پیروان خویش را از رسیدن به قرب الهی بازداشته و حرام‌خواری می‌نمودند (34).

در سوره مائده نیز بارها به عقاید ناصواب اهل کتاب که نمونه‌های آن در بررسی بافت این سوره گذشت، اشاره شده، اما آیات وحی در حوزه تعاملات اجتماعی و سیاسی بر ایجاد پیوند و قرابت میان توحیدمداران ادیان گوناگون اهتمام ورزیده است. از این رو مسلمانان نه تنها مأمور به حُسن خلق با سایر موحدان شده‌اند، بلکه در این سوره، به عفو و صفح از یهودیانی که خیانت کرده و نقض پیمان می‌کنند، مأمور گردیده‌اند (مائده/13)، چنان‌که مجاز به معاشرت و رفت‌وآمد با اهل کتاب گردیده‌اند. به طوری که استفاده از طعام آنان و ازدواج با زن‌هایشان بر مسلمانان حلال گردیده است (5). در سومین وجه به آموزه‌های دینی آنان نیز نهایت احترام نهاده شده است، به طوری که اهل کتاب در آخرین سوره قرآن، مأمور به اقامه کتاب آسمانی خویش گشته‌اند تا به سعادت دست یابند (66) و پیامبر نیز مأذون شده تا بر اساس کتاب آسمانی اهل کتاب، در میان آنان داوری نماید (42 و 47). در نتیجه همه موارد مذکور نشانگر توصیه به حفظ باورهای دینی مسلمانان و حتی تلاش برای احیای شریعت

اصیل حضرات موسی و عیسی 8 و ترویج ارتباط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مسلمانان در ابعاد گسترده با اهل کتاب است.

اما در حل تعارض میان آیات دو سوره، در ساده‌ترین راه می‌توان از نسخ استفاده نمود. در این راه حل با عنایت به آخرین بودن مائده، امکان نسخ آیات آن با دیگر سوره‌ها، از جمله آیات سوره توبه باقی نمی‌ماند و آیات متعارض پیش از آن، از جمله حکم به جهاد با مشرکین و اهل کتاب و دریافت جزیه، از گروه اخیر است که منسوخ می‌گردد.

اما به اعتقاد نگارندگان، راهی جز نسخ نیز باقی است. با تمرکز بر سوره توبه چنان‌که گذشت، به‌وضوح می‌توان به فضای متشنج جامعه اسلامی در مواجهه با منافقان و دشمنان درون‌مرزی اعم از مشرکان و یهودیان، و دشمنان برون‌مرزی همچون امپراتوری شام پی برد. از این رو آیات این سوره در پی تثبیت قدرت پیامبر و مسلمانان، سنگین‌ترین عتاب‌ها را به سست‌ایمانان و منافقانی که از رشادت در جنگ حنین و به‌ویژه تبوک سر باز زده‌اند، روا داشته است (توبه/23-26 و 38-121). چنان‌که همین سیاست را در قبال دشمنان قسم خورده نیز اتخاذ کرده و فرمان قتل مشرکانی را که با مسلمانان عهد و پیمانی نبسته یا پیمان‌شکنی نموده‌اند، صادر کرده است (1-8). چنان‌که آیه 12 به‌صراحت فرمان قتل سران کفر را که التزامی به پیمان با مسلمانان ندارند، داده است.

همین موضع سرسختانه در قبال اهل کتاب نیز با شکل و شمایل دیگری صادر شده است. بدین گونه که آنان تا زمانی که در سرزمین مسلمانان زندگی می‌نمایند، موظف به پرداخت جزیه شده و در صورت هرگونه تحرک برهم زنده امنیت جامعه، به جنگ و قتال تهدید گشته‌اند (29).

اما پس از عبور از دوران پرمخاطره فتح مکه و جنگ‌های حنین و تبوک که آرامش به جامعه اسلامی رو کرده و قدرت پیامبر در شبه جزیره تثبیت گردیده است، در قبال همه گروه‌ها، سیاست ملایم‌تری اتخاذ شده است. بدین صورت که در سوره مائده، از عتاب‌های سنگین منافقان خبری نیست و به‌طور کلی، همه مسلمانان به وفای به عهد و پرهیز از انحرافات جوامع دین‌مدار گذشته سفارش شده‌اند (مائده/1 و 51). در

خصوص اهل کتاب نیز میان صالحان و فاسقان آنان تفکیک شده (82-83) و در شرایطی که دولت اسلامی قدرت مجازات کارشکنی اقلیت‌ها را داشته، فرمان به صبر و گذشت از خیانت یهودیان نااهل صادر شده است (13).

در رابطه با مشرکان نیز خوی اسلامی در مواجهه با آنان که غیرحربی بوده و در پی زندگی مسالمت‌آمیز با مسلمانان بوده‌اند، غالب گردیده است. چنان‌که آیه دوم مائده، اذن ورود به مسجدالحرام را به این دسته از مشرکان داده و مسلمانان را موظف به تأمین امنیت ایشان در بیت الله کرده است. از این رو این دو سوره هر دو دارای آیاتی محکم بوده و در دو شرایط بحران و آرامش و برای دو گروه از غیر هم‌کیشانی که قصد جنگ با مسلمانان داشته، و آنان که در پی صلح و تعهد به جامعه اسلامی بوده‌اند، نازل گردیده است که طبعاً لازم است مواضع اتخاذ شده در سوره مائده بر جوامع اسلامی غلبه داشته و در شرایط خاص، این سیاست‌ها به سوی دستورات سرسختانه سوره توبه حرکت نماید.

منابع و مآخذ

1. قرآن کریم.
2. ابن شهر آشوب، محمد بن علی؛ متشابه القرآن و مختلفه، قم، دار بیدار للنشر، 1369 ش.
3. ابن ضریس، محمد بن ایوب؛ فضائل القرآن، دمشق، دارالفکر، 1408 ق.
4. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ التحرير و التنویر، بیروت، مؤسسة التاریخ، بی تا.
5. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو؛ تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیة، 1419 ق.
6. اسکندرلو، محمدجواد؛ «نقد تاریخ‌گذاری وحی به روایت مویر»، پژوهش و حوزه، شماره 19 و 20، 1383 ش، ص 249-235.
7. _____؛ مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن، قم، مرکز تحقیقات مهدی، 1386 ش.
8. اندلسی، ابن عطیه؛ المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، بیروت، دارالکتب العلمیة، 1422 ق.
9. آل غازی، سید عبدالقادر ملاحویش؛ بیان المعانی، دمشق، مطبعة الترقی، 1382 ق.
10. بازرگان، مهدی؛ سیر تحول قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، 1385 ش.
11. بحرانی، هاشم بن سلیمان؛ البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، 1416 ق.

12. بغدادی، علی بن محمد؛ لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت، دار الکتب العلمیة، 1415ق.
13. بیضاوی، عبدالله بن عمر؛ أنوار التنزیل و أسرار التأویل، محمدعبدالرحمن المرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1418ق.
14. بیهقی، احمد بن حسین؛ دلائل النبوة، بیروت، دار الکتب العلمیة، 1408ق.
15. _____؛ شعب الإيمان، بیروت، مكتبة الرشد للنشر، 1423ق.
16. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم؛ الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی، 1422ق.
17. جعفریان، رسول؛ سیره رسول خدا، قم، دلیل ما، 1382ش.
18. جوادی آملی، عبدالله؛ تسنیم، قم، اسراء، 1391ش
19. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله؛ المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالکتب العلمیة، 1411ق.
20. حرعاملی، محمدبن حسن؛ إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، بیروت، اعلمی، 1425ق.
21. خوئی، سیدابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی، بی تا.
22. دروزة، محمدعزت؛ التفسیر الحدیث، قاهره، دار إحياء الکتب العربیة، 1383ق.
23. رازی، فخرالدین محمدبن عمر؛ مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1420ق.
24. رشید رضا؛ تفسیر القرآن الحکیم (المنار)، قاهره، الهيئة المصریة العامة للکتاب، 1990م.
25. زرکشی، محمدبن عبدالله؛ البرهان فی علوم القرآن، بیروت، المكتبة العصریة، 1391ق.
26. زهری، محمدبن مسلم؛ الناسخ و المنسوخ و تنزیل القرآن بمکة و المدینة، بی جا، مؤسسة الرسالة، 1418ق.
27. سیوطی، جلال الدین؛ الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دار الکتب العربی، 1421ق.
28. _____؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، 1404ق.
29. شهرستانی، محمدبن عبدالکریم؛ مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، تهران، مرکز انتشار نسخ خطی، 1368ش.
30. صادقی تهرانی، محمد؛ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، 1365ش.

31. صفار، محمدبن حسن؛ بصائر الدرجات، قم، منشورات مكتبة آية الله المرعشي، 1404ق.
32. طباطبائی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی 1417ق.
33. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، 1372ش.
34. طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، 1412ق.
35. طوسی، محمدبن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
36. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، 1415ق.
37. عیاشی، محمدبن مسعود؛ کتاب التفسیر، تهران، چاپخانه علمیه، تهران، 1380ش.
38. فضل الله، سید محمدحسین؛ تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک للطباعة و النشر، 1419ق.
39. فیض کاشانی، ملا محسن؛ تفسیر الصافی، تهران، مكتبة الصدر، 1415ق.
40. قرطبی، محمدبن احمد؛ الجامع لاحکام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، 1364ش.
41. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر القمی، قم، دارالکتاب، 1363ش.
42. کشی، محمدبن عمر؛ رجال الکشی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه، 1409ق.
43. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1403ق.
44. معرفت، محمدهادی؛ التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، 1415ق.
45. _____؛ تاریخ قرآن، تهران، سمت، 1382ق.
46. مقاتل بن سلیمان؛ تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار احیاء تراث، 1423ق.
47. نکونام، جعفر؛ درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، تهران، نشر هستی نما، 1380ش.
48. واحدی نیشابوری، علی بن احمد؛ اسباب نزول القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1411ق.